

## اوقات فراغت و شکل‌گیری شخصیت فرهنگی نمونه موردی دو دبیرستان دخترانه شهر تهران<sup>۱</sup>

\* ناصر فکوهی

\* فرشته انصاری مهابادی

### چکیده

مقاله حاضر پژوهشی انسان‌شناختی در حوزه شهری و اوقات فراغت است. اساس کار در این پژوهش مبتنی بر نقش و تأثیر گذران اوقات فراغت بر شکل‌گیری شخصیت افراد و نیز ایجاد و پیدایش گونه‌های شخصیتی متأثر از چنین فرایندی است. افراد مورد مطالعه، دو گروه از دختران دبیرستانی شهر تهران بوده‌اند.<sup>۲</sup> اعضای گروه الف از بعد اقتصادی و فرهنگی و سلسله مراتب طبقاتی در زمره طبقه بالا و افراد گروه ب در طبقه پایین جامعه تعریف شده‌اند. نگرش‌ها و روی‌کردهای خانواده‌های گروه اول بیشتر مدرن و گروه دوم سنتی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهند که این روی‌کردها و نیز پایگاه اقتصادی و فرهنگی چنین خانواده‌هایی در نوع گذران فراغت هر دو گروه اثر گذاشته است به طوری که دختران گروه الف از تنوع فراغتی بیشتری برخوردار بوده و علاوه بر گذران فراغت در خانه، در خارج از خانه نیز فعالیت دارند و برعکس فراغت گروه ب بسیار کم تنوع و محدود بوده و تا حد زیادی در فعالیت‌های داخل خانه متمرکز است. نتایج اوقات فراغت در گروه اول، فرصت تفریح و سرگرمی بیشتری را برای آنها فراهم کرده و موجب شده است خصایص و رفتارهای شخصیتی خاصی چون برون‌گرایی، اجتماعی بودن، فعال و خلاق بودن در آنها شکل بگیرد و در مواردی به دلیل عدم توجه و عدم کنترل و مدیریت صحیح به وسیله خانواده برخی هنجار شکنی‌های زیان بار نیز در آنها دیده شده است. عوامل یاد شده و نیز شرایط سخت زندگی، دختران گروه ب را مجبور به انجام کارهای سنگین درخانه کرده، بنابراین فرصت تفریح و سرگرمی را از آنها گرفته است. این عوامل سبب بروز و پیدایی خصایص و رفتارهای شخصیتی خاص و گاه نامطلوبی نیز شده است نظیر درون‌گرایی، انزوا، انفعال، نداشتن خلاقیت، شرم، خجالت و کم‌رویی.

**کلید واژگان:** آموزش و پرورش، اوقات فراغت، تهران، جوانان، دختران، شخصیت پایه، طبقه اجتماعی، فرهنگ و شخصیت، گونه شخصیتی.

۱ - مقاله حاضر حاصل پژوهشی بوده است که با بودجه معاونت پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در سال

۱۳۷۹ به انجام رسیده است.

\* دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

\*\* کارشناس ارشد انسان‌شناسی

۲ - برای این که نام مدارس محرمانه باقی بماند جهت معرفی آنها از حروف الف و ب استفاده شده است.

## مقدمه

اوقات فراغت<sup>۳</sup> و نحوه گذران آن از مباحث تازه‌ای است که پس از انقلاب صنعتی و رشد صنایع و فناوری، توجه جامعه‌شناسان را برانگیخته و به موضوعی مهم در حوزه علوم اجتماعی تبدیل شده است. مفهوم زمان فراغت در برابر درگیری‌ها و کار روزمره که اغلب عامل خستگی است به کار می‌رود و تعریف و تبیین آن به گشایش شاخه‌های جدیدی از علوم اجتماعی با عنوان «جامعه‌شناسی اوقات فراغت»<sup>۴</sup> و «انسان‌شناسی اوقات فراغت»<sup>۵</sup> انجامیده است. درباره این که اصولاً زمان فراغت خاص جامعه صنعتی است تمام پژوهش‌گران هم عقیده نیستند و برخی از آن‌ها بر این باورند که زمان فراغت در تمام مراحل تاریخی زندگی بشر وجود داشته و خاص زمان مشخصی نیست (شیخ، ۱۳۷۵: ۵). اینان معتقدند که فراغت پدیده جدیدی نیست بلکه یک مفهوم قدیمی است (Torkildsen, 2001:64).

با توجه به سیر تاریخی در جوامع «پیش صنعتی، زندگی و کار انسان تابع مستقیمی از شرایط طبیعی بود. افراد با آهنگ طبیعی، کار و استراحت می‌کردند، با طلوع آفتاب کار خود را آغاز می‌کردند و غروب دست از کار می‌کشیدند. در فصل‌های گرم و معتدل کار می‌کردند و در فصل سرد به ناچار فعالیت خود را کاهش می‌دادند. حتی کودکان به محض آن که قدرت کافی برای کار فیزیکی می‌یافتند شروع به کار می‌کردند و عملاً تا پایان عمر به آن ادامه می‌دادند» (فکوهی، ۱۳۷۹: ۱۳۱-۱۳۰). از این گذشته فراغت و تفریح در کار ادغام شده بود (Dumazdier, 1972) به طوری که هم کار و هم بازی بخشی از مراسم مذهبی محسوب می‌شدند که انسان‌ها به لحاظ آفرینش با ارواح نیاکان خود برپا می‌کردند و حتی جشن‌های مذهبی نیز تجسمی از کار و بازی بودند و هیچ تضادی میان آن دو وجود نداشت (دومازیه، ۱۳۵۲: ۱۳). درحقیقت در گذشته سختی تأمین معاش و کم‌بایی و نایابی منابع سبب شده بود تا بیشترین زمان زندگی صرف تلاش برای زنده ماندن شود. در روزگاری که کشاورزی بنیان اقتصادی بیشتر جوامع را تشکیل می‌داد، در تمامی روزها و فصول سال کار انجام می‌شد با این تفاوت که در هوای خوب آهنگ کار تند و در هوای بد آهنگ آن به کندی می‌گرایید. در تمدن کشاورزی «پیشرفت‌های فنی توانسته بود تنها اندکی بر کارایی نیروی به دست آمده از فعالیت انسان و حیوان بیفزاید ابزارهای فنی آن روزگار همانند گاواهن و خیش برای آزاد کردن آدمی از تلاش برای معاش کافی نبود. تحولات دوره رنسانس در کنار اختراع ابزارهای فنی نوین مانند ماشین بخار و پیشرفت علوم جدید در سده‌های ۱۶ و ۱۷ میلادی، دوران جدیدی را پایه‌گذاری کرد که «تمدن صنعتی» نام گرفت (توکل، ۱۳۷۰: ۱۰۲). در آغاز این تمدن، حوزه

<sup>3</sup> - leisure time

<sup>4</sup> - sociology of leisure

<sup>5</sup> - anthropology of leisure

کار از مزرعه و کارگاه‌های کوچک خانوادگی به کارخانه‌ها انتقال یافت. زمان کار طولانی و نزدیک به ۷۵ ساعت در هفته بود، رفته‌رفته با بهبود ابزارهای فنی و اختراع و ابداع وسایل جدید، ماشین جای انسان را در انجام کار گرفته و زمان آن کاهش یافت در نتیجه زمانی را تحت عنوان «فراغت» ایجاد نمود. بنابراین فراغت پدیده‌ای است که با تمدن صنعتی پیوند دارد (ایمانی، ۱۳۷۶: ۶). بزاین اساس عده‌ای دیگر از علمای اجتماعی نیز معتقدند که اوقات فراغت با داشتن دو شرط فقط در تمدن‌های صنعتی و پسا صنعتی وجود دارد و نبود آن در تمدن‌های باستانی و کشاورزی سنتی به معنای نبود فراغت در این جوامع است. این دو شرط عبارتند از:

۱- فعالیت‌های جامعه اعم از کار و فراغت تحت تأثیر مراسم اجباری و الزامات و تعهدات فرهنگی - اجتماعی جامعه قرار نگرفته بلکه با اراده و اختیار فرد سپری می‌شود.<sup>۶</sup>

۲- فراغت از سایر فعالیت‌های انسان چون کار جدا می‌گردد. (Dumazdier, 1972)

بنابر آن‌چه گفته شد اوقات فراغت نمی‌تواند خاص جوامع قدیمی و ابتدایی باشد چرا که اولاً فراغت در آن زمان شکل اجبار اجتماعی داشت<sup>۷</sup> و از طرف دیگر فعالیت‌های انسان نظیر کار در ارتباط بود درحالی‌که این امر با آن‌چه که به عنوان دو ویژگی اساسی فراغت ذکر شد متفاوت است.

امروزه فراغت در کشورهای در حال توسعه نیز تا اندازه زیادی شبیه فراغت در جوامع صنعتی شده است و از آن جا که گاه در این نوع جوامع نیز چون جوامع صنعتی خصوصیات عمده فراغت (فاصله گرفتن از اجبارهای اجتماعی - فرهنگی و جدا شدن آن از سایر فعالیت‌ها) و همچنین عواملی چون «افزایش یافتن این اوقات به دلیل ممنوعیت کار کودکان، آموزش اجباری و رایگان و افزایش تدریجی سال‌های تحصیل و به تأخیر افتادن هرچه بیشتر سن متوسط ورود به بازار کار، افزایش امید زندگی» (فکوهی، ۱۳۷۹: ۱۳۱) در ضمن افزایش سن ازدواج و بهبود زندگی (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۷۶۴) به چشم می‌خورد در نتیجه برای افراد این جوامع نیز وقت فراغت ایجاد شده است. حتی در جوامع روستایی و کشاورزی نیز که به سمت شیوه‌های صنعتی شدن و ارزش‌های شهری گرایش پیدا کرده‌اند نیز وقت فراغت به وجود آمده است.

۶ - یعنی فراغت صورت اجباری نداشته و افراد به اختیار و بنا به میل خود، هرگونه که بخواهند آن را می‌گذرانند در ضمن «فراغت از سایر فعالیت‌های ضروری نظیر خوردن و فعالیت‌هایی که خارج از امور روزمره طبیعی هستند جدا می‌شود» (Brown, 1996: 920).

۷ - یعنی افراد در گذران فراغت خود نظیر انجام تفریحات و سرگرمی‌ها و غیره به نوعی تابع الزامات و ضرورت‌های فرهنگی و اجتماعی بودند به گونه‌ای که گاه مجبور به انجام چنین تفریحاتی می‌شدند نظیر تفریحات مربوط به جشن‌های مذهبی.

با توجه به آن‌چه گفته شد در کشورهای نظیر ایران (که یک کشور در حال توسعه است) و نیز شهرهای بزرگی چون تهران (که یک شهر بزرگ صنعتی است) زمان فراغت به چشم می‌خورد که خود موضوعی مهم در مطالعات پژوهشی است. چنان‌که در این‌جا نیز اوقات فراغت و نحوهٔ گذران آن در بستر جامعهٔ شهری و به طور مشخص‌تر از خلال دو فرهنگ کاملاً متفاوت در شهر تهران با تأکید بر دو گروه نمونه مورد بررسی قرار می‌گیرد. دلیل پرداختن به موضوع اوقات فراغت و ضرورت چنین موضوعی از ابعاد ذیل دارای اهمیت است:

۱- اوقات فراغت و چگونگی گذران آن در شکل‌گیری و تداوم شخصیت افراد نقش به‌سزائی دارد. از این رو پرداختن به بحث فراغت به منظور ارائه بهترین زمینه‌های فراغتی و شکل‌گیری شخصیت‌های سالم در جامعه ضروری است. گذشته از این کشور ما در زمرهٔ جوان‌ترین کشورهای دنیاست لذا هدایت و ایجاد امکانات برای گذراندن اوقات فراغت جوانان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. از این گذشته اوقات فراغت مطلوب سبب توسعهٔ مهارت‌های عملی و مفید می‌گردد. در ضمن سبب می‌شود تا افراد مشکلات زندگی را بهتر تحمل کنند (Roberts, A: 1999: 237).

۲- دلیل دیگر پرداختن به چنین پژوهشی توجه به جنسیت دختران است. اصولاً نتایج تحقیقات مختلف در سطح جهان نشان داده است که فراغت زنان و دختران به دلیل انجام کارهای خانه و نیز تربیت و مراقبت از فرزندان محدود بوده و یا با مشکل روبه‌رو است<sup>۸</sup> (Wynne, 2000: 27). چنین شرایطی در جامعهٔ ما نیز دیده می‌شود یعنی دختران در مقایسه با پسران در ابعاد مختلف از جمله اوقات فراغت از محدودیت و محرومیت بیشتری رنج می‌برند. در واقع از یک سو نوع فرهنگ حاکم بر جامعه، تحرک و فعالیت قشر بانوان را محدود می‌کند و از سوی دیگر خانواده‌ها در بروز چنین محدودیتی سهیم‌اند. به عنوان مثال در بسیاری از خانواده‌های ایرانی مرسوم است که دختران باید بخش زیادی از وقت خود را در خانه گذرانده و به رسیدگی به امور منزل بپردازند لذا کمتر مجالی برای فعالیت‌های خارج از خانه برایشان فراهم می‌شود.

نکات ذکر شده در مجموع عدم استفاده صحیح و فعال دختران از وقت فراغت رانشان می‌دهد و اوقات فراغت نامطلوب و غیر فعال نیز نتیجه‌ای جز ایجاد شخصیت‌های ناسالم، کسل و خسته در دختران به دنبال نخواهد داشت. در نتیجه این‌که دختران، مادران آینده و مربیان فرزندان فردا هستند را با مشکل مواجه خواهد ساخت.

<sup>۸</sup> - تحقیقات و پژوهش‌های عمده در باب اوقات فراغت نشان داده است که مردان بیشتر از زنان از اوقات فراغت خود سود می‌برند و به تبع آن رضایت‌شان نیز بیشتر است. در حالی که وضعیت زنان برعکس این شرایط است (Misra: 2000).

۳- نظام آموزش و پرورش و تربیت کشور ایران در مقایسه با سایر کشورهای دیگر از بیشترین تعطیلات اعم از تابستانی و نوروزی برخوردار است. این زمان طولانی در صورت توجه نکردن به فعالیت‌های فراغتی دانش‌آموزان نوجوان و جوان بسیار مسأله‌آفرین خواهد بود. به قول دنیس گیبور یکی از کارشناسان مسأله فراغت: «جای شگفتی است که انسان‌ها قدرت تطابق و سازگاری عجیبی در برخورد با مشکلات و سختی‌ها از خود نشان می‌دهند، ولی همین افراد از کنار آمدن با اوقات فراغتی که برنامه‌ای برای آنان ندارند عاجز می‌باشند» (شرفی، ۱۳۷۶: ۲۳۶).

### طرح مسأله

وجود مؤسسات آموزشی، بنیادهای فرهنگی، بناهای تاریخی، زیارت‌گاه‌ها، بناهای متبرکه، مراکز تفریحی، سینماها و ... از یک سو و هم‌چنین گسترش وسائل پیشرفته صنعتی به ویژه وسائل ارتباط جمعی که به رشد جامعه شهری کمک کرده، زمینه گذران وقت در این نوع جوامع را نیز فراهم کرده است. افراد نیز با توجه به موقعیت جنسی، سنی، تحصیلی و طبقه اجتماعی<sup>۹</sup> در مجموع پایگاه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شان از هریک از زمینه‌های فوق بهره‌مند می‌شوند. این مطالعه اوقات فراغت و نحوه گذران آن را در دو مقوله اصلی «فراغت درون خانگی»<sup>۱۰</sup> و «برون خانگی»<sup>۱۱</sup> و دو مقوله فرعی فراغت خلاق و غیرخلاق مورد بررسی قرار می‌دهد. آن چه در این جا مرز میان درون و بیرون از خانه را مشخص می‌کند، رفتارهای فراغتی خاصی است که درون منزل و یا خارج از آن قابل گذراندن هستند. این فعالیت‌ها عبارتند از:

- ۱- فعالیت‌های درون خانه شامل: استراحت، انجام کارهای منزل، گوش دادن به رادیو و نوار موسیقی، تماشای تلویزیون، ویدئو و ماهواره، مطالعه کتاب، روزنامه و مجله، انواع بازی و انجام برخی کارهای هنری.
- ۲- فعالیت‌های بیرون از خانه شامل: ورزش، رفتن به سینما و تئاتر، بازدید از موزه‌ها و نمایش‌گاه‌ها، شرکت در پایگاه‌های بسیج و کانون‌های فرهنگی، شرکت در مساجد، هیئات مذهبی و مراسم دعا، زیارت مکان‌های مقدسه و متبرک، رفتن به پارک، مناطق خوش آب و

<sup>۹</sup> - یکی از مشخصات بارز جامعه شهری تفاوت‌های طبقاتی است. در این گونه جوامع گروهی از مردم یا به تعبیری ثروتمندان از سطح زندگی بالا و تسهیلات فراوانی برخوردارند و در حالی که طبقات متوسط و پایین در نقاط شهری با مشکلات گوناگونی به لحاظ اقتصادی، اجتماعی، اسکان، وضعیت فرهنگی، گذران فراغت و نظیر آن مواجه هستند. (شیخی، ۱۳۷۸: ۱۷).

<sup>۱۰</sup> - indoor leisure  
<sup>۱۱</sup> - outdoor leisure

هوا و مراکز تفریحی، مسافرت، اردو، دیدار از خویشاوندان و دوستان، انجام برخی کارهای هنری، قدم زدن در خیابان‌ها و مراکز خرید می باشد.

اوقات فراغت و رفتارهای فراغتی ناشی از آن به عنوان بخشی از سبک زندگی مردم، بینش و روی کردهای افراد را نسبت به زندگی نمایان می‌سازد. در واقع اگر چگونگی گذران این اوقات را در زمره فرهنگ و یا رفتارهای فرهنگی افراد تصور کنیم در آن صورت با توجه به نقش فرهنگ در شکل‌گیری شخصیت، هویت و رفتارهای افراد، می‌توان تصور کرد که اوقات فراغت نیز در شکل‌گیری و بروز چنین رفتارهایی سهمیم و دخیل خواهد بود.

### پرسش‌های اصلی تحقیق

- پرسش‌هایی که به طور ویژه در این پژوهش مد نظر بوده‌اند عبارتند از:
- ۱- دانش‌آموزان هر دو گروه الف و ب، اوقات فراغت خود را به کدام یک از اشکال فراغتی «درون‌خانگی» و «برون‌خانگی» می‌گذرانند؟
  - ۲- نوع و نحوه گذران اوقات فراغت هر یک از دو گروه چه گونه‌ها و اشکال و رفتارهای شخصیتی را در بین آن‌ها ایجاد کرده است؟
  - ۳- تا چه اندازه نوع گذران فراغت دز رشد و توسعه استعدادها، خلاقیت‌ها و زمینه‌های بدیع افراد هر دو گروه مؤثر بوده است؟

### پیشینه تحقیق

در نگارش این مقاله از کتاب‌ها و مقاله‌ها به زبان فارسی و انگلیسی، پایان‌نامه‌ها و طرح‌های پژوهشی و منابع اینترنتی در زمینه فراغت استفاده شده است. تا به امروز بالغ بر ۳۰۰ پایان‌نامه و طرح پژوهشی درباره موضوع فراغت در ایران به نگارش درآمده ولی از میان این مجموعه وسیع فقط دو پایان‌نامه دانشگاهی در مقطع کارشناسی ارشد است که شباهت زیادی با موضوع مقاله حاضر دارد. این پایان‌نامه‌ها عبارتند از:

- ۱- «بررسی نحوه گذران اوقات فراغت دختران دبیرستانی در منطقه ۱۷ آموزش و پرورش تهران»، ۱۳۷۲، از نرگس عابدینی زاده، دانشگاه آزاد تهران، استاد راهنما: علی محمد امیر تاش.
  - ۲- «بررسی نحوه گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان دختر در سال سوم دبیرستان‌های مربوط به مناطق آموزشی ۳ و ۱۷ شهر تهران» ۱۳۷۰، از فرزانه زال‌زاده، دانشگاه تربیت معلم، دانشکده علوم تربیتی، استاد راهنما: علیرضا کیامنش.
- دلایل شباهت دو پژوهش مذکور با این مطالعه عبارت است از:

۱- جامعه مورد مطالعه در مجموعه این پژوهش‌ها دانش‌آموزان دختر دبیرستانی هستند. البته پژوهش دوم دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان (چون پژوهش کنونی) را نیز برگزیده است.

۲- پژوهش دوم (نظیر این مطالعه) اوقات فراغت دو گروه از دانش‌آموزان طبقات بالا و پایین جامعه را بررسی می‌کند.

۳- همه این پژوهش‌ها دانش‌آموزان منطقه ۱۷ آموزش و پرورش تهران را در نظر گرفته‌اند.

۴- در بخش نتایج به دست آمده از دو تحقیق قبلی و مطالعه فعلی نیز می‌توان شباهت‌هایی را مشاهده کرد. در تمام آن‌ها بی‌سوادی و کم‌سوادی والدین، پایین بودن میزان درآمد و مراتب شغلی پدران، پرجمعیت بودن خانواده‌ها، کمک گرفتن مادران از دختران خود در امور منزل، هم‌چنین گذران فراغت بیشتر دانش‌آموزان در خانه و عدم امکان استفاده آن‌ها از فراغت‌های خارج از آن، در دانش‌آموزان منطقه ۱۷ به چشم می‌خورد. در پژوهش دوم نظیر این مطالعه فعالیت‌های فراغتی و مشارکت‌های اجتماعی بیرون از خانه از رویه‌های متداول فراغتی دانش‌آموزان منطقه ۳ هم‌چون منطقه ۲ است.

مواردی از تفاوت‌ها را نیز می‌توان برشمرد:

۱- روش‌های تحقیقاتی به کار رفته در دو پژوهش قبلی صرفاً مطالعه اسنادی و پیمایشی و استفاده از فن پرسش‌نامه بوده حال آن‌که پژوهش حاضر به غیر از دو شیوه یاد شده از روش میدانی - مشاهده و مصاحبه - نیز کمک گرفته است.

۲- چهارچوب نظری تحقیقات پیشین صرفاً اختصاص به مباحث نظری مربوط به اوقات فراغت دارد.

حال آن‌که این مقاله علاوه بر مطالب مذکور از مباحث نظری «انسان‌شناسی روان‌شناختی» چون مکتب «فرهنگ و شخصیت» به دلیل روی‌کرد خاص موضوع نسبت به بحث شکل‌گیری شخصیت و گونه‌های شخصیتی بهره جسته است.

۳- نتایج به دست آمده از پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهد که این تحقیقات به دلیل استفاده از شیوه‌های تحقیقی پنهانگر - پرسش‌نامه - کمتر به ژرفانگری پرداخته‌اند درحالی‌که در این پژوهش تلاش شده تا با استفاده از شیوه‌های ژرفانگر چون مشاهده و مصاحبه اهمیت بیشتری به مسائل درونی و عمیق اوقات فراغت داده شود.

### چهارچوب نظری

مکتب «فرهنگ و شخصیت» در حوزه انسان‌شناسی فرهنگی (Kardiner, 1963:46) هم‌چنین مکاتب و حوزه‌های فکری میان رشته‌ای به‌خصوص انسان‌شناسی و روان‌شناسی قرار

دارد. سرآغاز کار این مکتب با کارهای زبان‌شناس و انسان‌شناس آمریکایی - «ادوارد سایپر»<sup>۱۲</sup> - پیوند خورده است. سایپر معتقد است که بیشتر مشخصه‌های سازمان شخصیت را فرهنگ روشن می‌کند و انسان‌شناسان می‌بایست به منظور درک الگوهای پیچیده و نمادگری‌های فرهنگ، رشد کودک را مطالعه کنند (Toren, 1990). هم‌چنین صاحب‌نظران این مکتب تحت تأثیر افکار بواس<sup>۱۳</sup> نیز بوده‌اند (گارباينو، ۱۳۷۷: ۹۷). چرا که بواس تمایلات زیادی به پدیده‌های روان‌شناختی داشت (بروس، ۱۳۷۳: ۸۵). از طرف دیگر انسان‌شناسی روان‌شناختی تحت تأثیر دیدگاه‌های صاحب‌نظران روان‌شناسی تجربی و نظریه‌های روان‌شناختی جدید یادگیری چون کلارک هول<sup>۱۴</sup> و بی اف اسکینر از یک طرف و فروید از طرف دیگر قرار گرفت (Harris, 1968: 449) چرا که فروید نیز بر گونه‌های شخصیتی تأکید می‌کرد (Kardiner, 1963: 218): در مجموع انسان‌شناسی روان‌شناختی بر رابطه میان فرهنگ و شخصیت (بیس و پلاگ، ۱۳۷۵: ۷۵) و نیز ارتباط میان افراد و نظام‌های فرهنگی تأکید می‌کند. (Peoples and Bailey, 1997: 304) و معتقد است که تجارب اولیه زندگی افراد در شخصیت بزرگسالی آن‌ها تأثیر می‌گذارد و هم‌چنین نوع فرهنگ خانواده‌ها در رشد روانی کودکان مؤثر است (چلبی، ۱۳۷۶: ۸۶-۸۵). دانش‌مندان دیگری چون مارگارت مید<sup>۱۵</sup>، روث بندیکت<sup>۱۶</sup>، کاردینر<sup>۱۷</sup> نیوکمب و دیگران نیز در این مکتب جای می‌گیرند. آن‌ها نیز کلید شناخت فرهنگ و تربیت هر جامعه‌ای را نوع تربیت کودک دانسته و معتقدند که تربیت خانوادگی زیربنای هر نوع تربیت اجتماعی است (کلاین برگ، ج دوم، ۱۳۶۸: ۳۹۳ و ۳۹۵). بر طبق الگوی فوق این فرهنگ است که به عنوان عامل اساسی و اثرگذار، شخصیت افراد یک جامعه را شکل می‌دهد و اساساً فرهنگ عبارت است از: «مجموع تصورات، پاسخ‌های عاطفی شرطی و الگوهای رفتاری که اعضای یک جامعه آن را از راه آموزش کسب می‌کنند و کمابیش در آن مشترک می‌شوند» (سلطانی‌فر، ۱۳۷۷: ۱۵). در این جا کلیه رفتارها صورت فرهنگی دارند نه زیستی (Shelton, 2001) حتی کج‌روی و انحراف‌ها و رفتارهای بزه‌کارانه جوامع نیز خصلت فرهنگی دارند (گارباينو، ۱۳۷۷: ۹۹۹). به عبارت دیگر هر شخص کج‌رو در همان حال که برای خود مختصاتی دارد وابسته به فرهنگی خاص نیز هست و بدون شناخت آن فرهنگ شناخته نخواهد شد (آگبرن و نیم‌کوف، ۱۳۵۳: ۲۵۹). نکته دیگر این است که هر جامعه‌ای برای آن که در چهارچوب فرهنگ خود با موفقیت زندگی کرده و ارتباط برقرار نماید گونه‌های شخصیتی معینی را می‌پروراند که با فرهنگ‌اش سازگاری و هم‌آهنگی داشته باشد (کوئن، ۱۳۷۳: ۸۱). این گونه‌ها

12 - Edward Sapir

13 - Boas

14 - Clark Hull

15 - Margaret Mead

16 - Ruth Benedict

17 - Abram Kardiner



همان گونه‌های شخصیتی‌اند (پهلوان، ۱۳۷۸: ۸۳) بنابراین اگر شیوه‌های فراغت و نحوه گذران آن را در زمره رفتار افراد در نظر بگیریم و چون بر طبق الگوی فرهنگ و شخصیت ثابت نمودیم که رفتار افراد فرهنگی‌اند می‌توان ادعا کرد که فراغت، فرهنگ و یا بخشی از آن است که با تأثیرش در زندگی افراد می‌تواند از آنها قالب و گونه شخصیتی بسازد و از آن‌جا که گونه‌های شخصیتی هر جامعه‌ای به تعداد فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های موجود در آن جامعه است (آگیرن و نیم کوف، ۱۳۵۳: ۲۴۱) لذا می‌توان گفت اوقات فراغت بنا به این‌که مربوط به چه طبقه، گروه سنی، جنسی، شغلی و ... باشد می‌تواند به تعداد این مقوله‌ها تیپ یا گونه شخصیتی تولید کند.

نکته دیگر، اعتقادات لیتون<sup>۱۸</sup> و کاردینر در مورد «شخصیت پایه»<sup>۱۹</sup> است. آن‌ها معتقدند که چون افراد یک جامعه معین در کودکی خود تجربیات مشترک فراوانی دارند بنابراین ویژگی‌های شخصیتی مشترک بسیاری نیز خواهند داشت ولی یک نوع شخصیت پایه می‌تواند به روش‌های مختلف و متعدد رفتاری ظاهر شده و به صورت‌های مختلف شخصیتی درآید (دوچ، ۱۳۷۴: ۱۸۰). از نظر این دو، بروز رفتارهای متفاوت شخصیتی به عوامل متعددی چون سن، جنس، پایگاه و طبقه اجتماعی افراد مربوط می‌شود (پهلوان، ۱۳۷۸: ۸۹) این امر (درخصوص رفتارهای فراغتی) مورد توجه صاحب‌نظران فراغت نیز هست به طوری که آن‌ها معتقدند شیوه‌ها و رفتارهای مختلف فراغتی افراد با عواملی چون جنس، سن، پایگاه مادی و تحصیلات، طبقه اجتماعی و ... در ارتباط است (Roberts, A: 1999: 238). مثلاً گرازا<sup>۲۰</sup> از جمله افرادی است که فراغت را در ارتباط با طبقات مورد بررسی قرار می‌دهد و معتقد است که تفریح و سرگرمی‌های فراغتی افراد در طبقات بالا و پایین جامعه با یک‌دیگر متفاوتند (Roberts, B: 1999: 85).

برخی دیگر از صاحب‌نظران اوقات فراغت، تأثیرات و نقش این اوقات را بر شکل‌گیری شخصیت افراد مورد بررسی قرار می‌دهند. به عنوان مثال جرالد بی فیتز<sup>۲۱</sup> استفاده صحیح از این اوقات را در بروز شخصیت‌های سودمند، سازنده و سالم مؤثر دانسته و عدم استفاده صحیح از آن را سبب پیدایش شخصیت‌های منحرف و کچرو می‌داند (سلحشور و نمازی زاده، ۱۳۶۹: ۱۲).

جان وایتینگ<sup>۲۲</sup> مردم‌شناس نیز معتقد است که نیازهای زیست‌شناختی و هم‌چنین تأثیرات محیط‌شناسی از یک طرف و تولیدات فرهنگی چون کار و بازی و تفریحات از طرف

18 - Linton. 1930  
 19 - base personality  
 20 - Grazia  
 21 - Gerald, B, Fitz  
 22 - John Whiting

دیگر بر شخصیت کودک اثر گذاشته و شخصیت بزرگ‌سالی او را می‌سازد و حتی ممکن است این شخصیت در قالب رفتارهای انحراف آمیز اعم از جرم و خودکشی بروز نماید (چلبی، ۱۳۷۶: ۹۵). به عبارت بهتر رفتارهای فرهنگی - فراغتی نامطلوب سبب شکل‌گیری و بروز گونه‌های شخصیتی نابه‌هنجار و نامتعارف می‌شود.

اندیش‌مندان گونه‌های مختلفی از فراغت را ارائه می‌کنند. به عنوان مثال ناش<sup>۲۳</sup> فعالیت‌های فراغتی را در چهار سطح معرفی می‌کند:

۱- فعالیت‌های فراغتی منفعل، ۲- فعالیت‌های فراغتی هیجانی (تهییج‌کننده)، ۳- فعالیت‌های فعال و ۴- فعالیت‌های خلاق (سازنده) (Torkildsen, 2001: 74).

ماکس کاپلان<sup>۲۴</sup> فراغت را درشش گونه معاشرت، شرکت در انجمن‌ها، بازی، هنر، فعالیت‌های پر تحرک و فعالیت‌های بی‌تحرک (نظیر استراحت) جای می‌دهد. یاری‌ما<sup>۲۵</sup> این فعالیت‌ها را به صورت‌های صحبت کردن، حضور در میهمانی‌ها، ورزش و بازی‌های فعال، تئاتر، تفریحات و بازی‌های منفعل، تماشای تلویزیون، گوش دادن به رادیو و مطالعه تقسیم‌بندی کرده است (Parker, 1976: 40). و جان کلی<sup>۲۶</sup> این اشکال را به دو صورت اوقات فراغت درون خانگی (اعم از مطالعه کردن، گفتگوهای خانوادگی، تماشای تلویزیون، تزئین کردن خانه، باغبانی و...) و نیز فراغت بیرون خانگی (نظیر ورزش‌های بیرون از خانه، سفرهای کوتاه و بلند، غذا خوردن بیرون از منزل، ملاقات اقوام و دوستان، قدم زدن، خرید و...) تقسیم‌بندی می‌کند<sup>۲۷</sup> (Torkildsen, 2001: 76-77). به طور کلی گرایش و منطق جامعه‌مدرن در آن است که گروه فعالیت‌های بیرون خانگی را افزایش دهد<sup>۲۸</sup> (فکوهی، ۱۳۷۹: ۱۳۵).

## تعریف مفاهیم و واژه‌ها

چند مفهوم اصلی در این پژوهش را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

- 23 - Nosh
- 24 - Max Kaplan
- 25 - Ray Maw
- 26 - John Kelly

27 - اندیش‌مندان دیگری نیز به تقسیم‌بندی فراغت بر اساس فعالیت‌های درون خانگی و بیرون خانگی معتقدند که آن‌ها را به صورت‌های ذیل معرفی می‌کنند: استراحت کردن در منزل، عبادت کردن، انجام کارهای خانه، انواع ورزش‌ها و بازی‌های درون و بیرون از خانه، شرکت در سینما و تئاتر، تماشای جاهای دیدنی، ... و فعالیت‌های بیرون از خانه چون چوب‌بریدن، چادر زدن، قایق‌سواری، شنا کردن، هاکی کردن ..... (R.Kelly, 1999: 49).

28 - فرانک سالوی (Frank Sulloway) معتقد است که نحوه تربیت فرزندان در خانه و نوع رفتار آن‌ها ممکن است در خارج از خانه با یکدیگر متفاوت باشد. او معتقد است که رفتارها در زمینه‌های اجتماعی متفاوت ممکن است فرق کند. از این گذشته این درست است که افراد در منزل چیزهایی را یاد می‌گیرند اما آن‌ها چیزهای جدیدتر و نوتر را در بیرون از منزل تجربه می‌کنند (Harris, 2001).

۱- اوقات فراغت: «مجموعه‌ای از اشتغالات است که افراد آن را پس از آزاد شدن از الزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی به منظور استراحت، تفریح، توسعه اطلاعات، آموزش غیرانتفاعی و مشارکت اجتماعی به کار می‌برند» (Torkildsen, 2001: 74).

۲- شخصیت: «مجموعه‌ای از خصوصیات روان‌شناختی است که افراد را از یک‌دیگر متمایز می‌سازد» (Colman, 1996: 599) یعنی «شیوه‌های خاص تفکر، انگیزش و احساس که به طور خودآگاه و ناخودآگاه رفتار یک فرد را هدایت می‌کند» (Peoples and Bailey, 1997: 304).

۳- گونه (تیپ) شخصیتی<sup>۲۹</sup>: اگرچه تعریف مشخصی در رابطه با این مفهوم وجود ندارد ولی به نظر می‌رسد، قالب‌هایی هستند که از طریق انتخاب‌های فرهنگی بر روی طیف گسترده‌ای از فرهنگ قرار گرفته و به صورت خواسته یا ناخواسته ایجاد می‌شوند (بی‌تس و پلاگ، ۱۳۷۵: ۷)، این قالب‌ها و ویژگی‌ها، مختصات هر گروه یا خرده فرهنگ را به نمایش درمی‌آورد.

۴- شخصیت پایه: «مطالعه رفتاری که به وسیله گروه به فرد تحمیل شده و اساساً به وسیله محیط اقتصادی - تکنیکی و نوع تعلیم و تربیت مشخص می‌شود» (پانوف و پرن، ۱۳۶۸: ۲۳۰).

۵- اوقات فراغت سنتی<sup>۳۰</sup>: منظور شکلی از گذران فراغت است که بیشتر مبتنی بر الگوهای ساده و قدیمی زندگی بوده و بر روی کردها و قالب‌های مذهبی افراد نیز استوار است. نظیر حضور در مساجد، مراسم دعا و هیأت‌های مذهبی و ...

۶- اوقات فراغت مدرن<sup>۳۱</sup>: منظور صورتی از گذران فراغت است که بیشتر مبتنی بر الگوهای جدید زندگی است. این شکل از فراغت با صنعت و فناوری امروزین پیوند بیشتری یافته و نیز (در این جا) با نوعی تجدیدخواهی و نوگرایی هم راه است و کم‌تر روی کردهای مذهبی - سنتی در آن ملحوظ می‌باشد، نظیر رفتن به کافی‌شاپ‌ها، انجام ورزش‌هایی چون اسکیت بازی، اسکی و ...

۷- اوقات فراغت خلاق: فراغتی که سبب بروز ایده‌ای نو و یا خلق اثری بدیع در فرد شود.

۸- اوقات فراغت غیرخلاق: فراغتی که منجر به خلق تفکری نو و یا ایجاد اثری بدیع در فرد نشود.

29 - type of personality

30 - traditional leisure

31 - modern leisure

## روش‌های تحقیق

به دلیل روی‌کردهای خاص انسان‌شناختی در پژوهش حاضر، استفاده از شیوه‌های تحقیقی ژرف و عمیق و نیز فنون ویژه و خاص انسان‌شناسی ضروری به نظر می‌رسید از این رو گذشته از شیوهٔ اسنادی که خاص تمامی پژوهش‌ها است، فنون مشاهده، مصاحبه‌های عمیق، کیفی و گروه متمرکز<sup>۳۲</sup> در درجهٔ اول اهمیت قرار گرفته و در موارد معدودی از فن پرسش‌نامه نیز استفاده شده است.

### ۱- شیوهٔ اسنادی

تمام مباحث نظری و اسنادی مربوط به اوقات فراغت و شخصیت، از کتاب‌ها و مقاله‌های موجود به زبان فارسی و انگلیسی، پایان‌نامه‌ها و طرح‌های پژوهشی هم‌چنین جست‌جوهای اینترنتی اقتباس شده است.

### ۲- مشاهده

بر طبق پایه‌های نظری مطالعهٔ حاضر یعنی الگوی فرهنگ و شخصیت که بر استفاده از فن مشاهده تأکید بسیار دارد چنان‌که روث بندیکت، صاحب‌نظر این دیدگاه معتقد است که به منظور مطالعه و بررسی گونه‌های شخصیتی جوامع باید از مشاهدهٔ رفتارهای افراد آن جوامع آغاز نمود (بیس و پلاگ، ۱۳۷۵: ۷۶)، استفاده از روش مذکور در اولویت قرار گرفته است. مشاهده‌ها شامل مشاهدهٔ کلیهٔ رفتارهای دانش‌آموزان اعم از رفتارهای آن‌ها در کلاس درس (نوع پوشش و آرایش، طرز صحبت کردن، طریقهٔ رفتار، واژه‌ها و کلمات مورد استفاده در گفتار، رفتار تحصیلی و...) در ساعات تفریح و در فضای مدرسه از جمله راه‌روها و حیاط مدرسه هم‌چنین مشاهدهٔ رفتارهای اولیاء دانش‌آموزان به هنگام ورود به مدرسه و نیز مشاهدهٔ شرایط محله و مکان زندگی دانش‌آموزان هم‌چنین مشاهدهٔ فضا و رفتارهای داخل منزل آن دسته از دانش‌آموزانی که محقق، موفق به ورود به منازلشان شده است، می‌باشد. در ضمن به هم‌راه برخی از دانش‌آموزان در فعالیت‌های فراغتی خارج از منزل آن‌ها نظیر رفتن به کوه، کافی شاپ، سینما، زیارت‌گاه، کتاب‌خانه، خانه فرهنگ و..... شرکت گردید. و از این رو به مشاهدهٔ این نوع از رفتارهای فراغتی دانش‌آموزان نیز پرداخته شد. مشاهدهٔ رفتارهای مذکور و پیوند آن‌ها با یافته‌های به‌دست آمده از بخش مصاحبه‌ها، پژوهش‌گر را در دستیابی به رفتارها و گونه‌های شخصیتی ویژهٔ هر گروه یاری نموده است.

### ۳- مصاحبه‌های عمیق و تفصیلی

به منظور دست‌یابی به اطلاعات دقیق و جامع درباره اوقات فراغت و نیز جست‌جوی اشکال واقعی گونه‌های شخصیتی دانش‌آموزان با تعدادی از آن‌ها و نیز برخی از والدین ایشان، هم‌چنین اولیای مدرسه مصاحبه‌هایی به صورت عمیق و طولانی انجام شده و در مواردی که دانش‌آموزان اطلاعات جمعی و تا اندازه‌ای یک‌سان و شبیه به یک‌دیگر داشته‌اند از آن‌ها مصاحبه‌هایی به صورت گروهی به عمل آمده است. سؤال‌های مصاحبه به صورت باز و آزاد در راستای نوع فعالیت‌های فراغتی داخل و خارج از خانه، چگونگی گذران این اوقات و نیز شرایط خاص فکری - فرهنگی حاکم بر خانواده‌ها که بر وقت فراغت اثر می‌گذارد، طراحی شده و سپس مورد پرسش قرار گرفته است.

### ۴- پرسش‌نامه

پرسش‌های عمومی چون سن، محل تولد، قومیت، شغل و میزان سواد پدر و مادر و بعد-خانوار دانش‌آموزان که تکمیل‌کننده دو بخش مشاهده و مصاحبه است، به صورت پرسش‌نامه در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفته سپس پاسخ‌ها بررسی شده‌اند

### جامعه مورد مطالعه

دو گروه از دانش‌آموزان دختر تهرانی که در سال سوم مقطع متوسطه در رشته ادبیات و علوم انسانی مشغول به تحصیل بودند مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. این دختران در طیف سنی ۱۸ - ۱۷ سال قرار داشته و به ترتیب در دبیرستان الف<sup>۳۳</sup> (منطقه ۲ آموزش و پرورش) و ب<sup>۳۴</sup> (منطقه ۱۷) تحصیل می‌کردند. هر گروه شامل ۲۱ نفر بود.

در مقایسه، گروه الف در طبقه بالا و گروه ب در طبقه پایین جامعه قرار می‌گیرند در نتیجه شیوه‌های فراغتی و هم‌چنین زمینه‌های شخصیتی آن‌ها نیز کاملاً با یک‌دیگر متفاوت هستند از این رو می‌توان آن‌ها را با یک‌دیگر مقایسه کرد.

۳۳ - دبیرستان الف، درحوالی میدان توحید قرار دارد و دانش‌آموزانی که در این مدرسه تحصیل می‌کنند از خیابان‌ها و محله‌هایی چون توحید، جمهوری، خوش، آزادی، شادمان، ستارخان، شهر آرا، گیشا و فلکه صادقیه به این مدرسه می‌آیند.

۳۴ - دبیرستان ب، درحوالی میدان نعمت آباد (خیابان زمزم) قرار دارد و دانش‌آموزان از محله‌هایی چون زمزم، و صفنادر، پاسگاه نعمت آباد، سه راه سرگردان و ابتدای جاده ساوه به این مدرسه می‌آیند.

دلیل انتخاب طیف سنی مذکور را می‌توان آغاز سن جوانی دانست که اساساً فرهنگ جوانی، فرهنگ بازی، سرگرمی و تفریح است به طوری که بدون وجود اوقات فراغت و تفریح، این فرهنگ توسعه پیدا نمی‌کند (Wai Teng, 2001). از طرفی می‌دانیم که افراد در این دوره سنی نه مانند دوره کودکی منفعل محض و نه مانند دوره بزرگسالی از نظر شخصیت و منش، شاکله غیر قابل انعطافی دارند بلکه دوره‌ای را طی می‌کنند که صلاحیت شکل دادن به شخصیت و یا هویت خود را در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی دارند

### ویژگی‌ها و خصوصیات کلی دو گروه

- ۱- تعداد ۱۹ نفر (۹۰/۵٪) از کل والدین گروه الف متولد شهر تهران و مابقی (۹/۵٪) متولد شهرستان هستند حال آن که ۷۶/۲٪ از والدین گروه ب متولد روستا و مابقی ۲۳/۸٪ متولد شهرستان‌های دیگر و یا شهر تهران هستند.
- ۲- از نظر میزان سواد، تحصیلات پدران گروه الف از دیپلم تا دکترا و تحصیلات مادران آن‌ها از دیپلم تا کارشناسی ارشد است در حالی که سطح تحصیلی پدران و مادران گروه ب از اول ابتدائی تا پنجم ابتدائی بوده و برخی از آن‌ها نیز بی‌سوادند (بی‌سوادی مادران بیشتر از پدران است) و تعداد بسیار اندکی از پدران یعنی ۲ نفر (۹/۵٪) دارای مدرک دوره راهنمایی و دیپلم هستند.
- ۳- از نظر نوع شغل، والدین گروه الف در یکی از رده‌های شغلی پزشکی، مهندسی، کارمند عالی‌رتبه<sup>۳۵</sup>، کارمند عادی و مشاغل آزاد فعالیت می‌کنند درحالی که پدران گروه ب در مشاغل کارگر، چون کارگری کارخانه‌ها و اداره‌ها مشغول به کار هستند و یا این که رفته‌گر محلی، نمکی، آبدارچی و یا مسئول آبیاری و رسیدگی به فضای سبز هستند البته تعدادی از پدران نیز بی‌کار و تعدادی دیگر نیز از کار افتاده‌اند.
- ۴- میانگین بعد خانوار (تعداد فرزندان) گروه الف بین ۱ تا ۳ فرزند درحالی که این رقم در گروه ب بین ۶ تا ۱۰ فرزند است.
- ۵- میزان درآمد خانواده در هر دو گروه مطابق جدول ذیل می‌باشد.

جدول ۱- میزان درآمد ماهیانه خانواده‌ها در گروه الف و ب

	تا ۷۰ هزار تومان	تا ۱۰۰ هزار تومان	تا ۱۵۰ هزار تومان	تا ۲۰۰ هزار تومان	تا ۳۰۰ هزار تومان	تا ۵۰۰ هزار تومان	بیشتر از ۵۰۰ هزار تومان
الف	۰	۰	٪۲۳/۸	٪۲۳/۸	٪۲۸/۶	٪۱۴/۳	٪۹/۵
ب	۵۲/۴	٪۹/۵	٪۹/۵	٪۱۴/۳	۰	۰	۰

- خصوصیات و ویژگی‌های هر دو جامعه نشان‌گر اختلاف سطح درآمد، سطح سواد و... والدین در نتیجه اختلاف طبقاتی آن‌ها می‌باشد.

### یافته‌های تحقیق

بخش یافته‌های تحقیق پاسخ به سئوالات اصلی تحقیق می‌باشد.

در پاسخ به دو سؤال اول، از نظرات روٹ بندیکت استفاده می‌شود. وی می‌گوید: برای نمایش گونه‌های شخصیتی، وجود مجموعه‌ای از انتخاب‌های رفتاری مورد نیاز است که با طبقه‌بندی آن‌ها (چلبی، ۱۳۷۶: ۹۵) هم‌چنین توجه به فراوانی تکرار رفتارهای مذکور گونه شخصیتی ایجاد می‌شود (گاربانو، ۱۳۷۷: ۱۰۳). در این جا نیز با توجه به تکرار چند دسته از رفتارهای دانش‌آموزان در هر دو گروه، گونه‌های شخصیتی خاصی ایجاد شده است. این رفتارها عبارتند از:

۱- رفتارهای مشاهده شده دانش‌آموزان در کلاس درس و مدرسه. ۲- رفتارهای فراغتی داخل و خارج از خانه آن‌ها که برگرفته از مشاهده‌ها و مصاحبه‌های محقق می‌باشد. ۳- برخی ویژگی‌ها و خصوصیات کلی نظیر میزان درآمد خانواده، نوع شغل، تحصیلات والدین و... از برآیند و تلفیق سه عامل فوق‌گونه‌های ذیل به دست آمده است:

### گونه‌های شخصیتی گروه الف

#### گونه شخصیتی الف - ۱

مشخص‌ترین گونه شخصیتی گروه الف، نمونه الف - ۱ است که تعداد آن ۱۲ الی ۱۳ نفر از افراد کلاس را شامل می‌شود. سطح سواد پدران در این گونه عمدتاً از دیپلم تا کارشناسی و تعدادی نیز کارشناسی ارشد و دکترا هستند و مادران آن‌ها عمدتاً دارای مدرک

دیپلم و تعدادی بالاتر از این سطح هستند. میزان درآمد خانواده‌ها در این گروه از ۳۰۰ هزار تومان در ماه به بالا است ولی درآمد غالب خانواده‌ها از ۲۵۰ تا ۴۰۰ هزار تومان در ماه است. این گروه از دانش‌آموزان از نظر رفتاری برون‌گرا، اجتماعی و جسورند، لباس، کفش و کیف و وسایل مدرسه‌شان عموماً گران قیمت، شیک و به مد امروز است. میزان اطلاعات و آگاهی‌های عمومی‌شان بالاست. دارای اتاق اختصاصی‌اند. در منازل‌شان عموماً وسائلی چون تلویزیون رنگی پیشرفته، رادیو و ضبط و دوربین مدل پیشرفته، تلفن همراه، بازی‌های تلویزیونی و ماهواره و ویدئو موجود است که این وسایل در پرکردن وقت فراغت بسیار مؤثرند. همچنین در اتاق اختصاصی خود، عموماً وسایل فراغتی چون رادیو و ضبط، میز و چراغ مطالعه، وسایل ورزشی نظیر لوازم مربوط به شنا، کوه‌نوردی، اسکیت، لوازم هنری چون وسایل نقاشی، آلات موسیقی و را دارا هستند.

اعضای گونه‌ی مربوط در زمینه‌های فراغتی داخل خانه بیشتر استراحت کرده و اکثراً در کارهای منزل دخالتی نمی‌کنند. بیشتر فیلم‌ها، سریال‌ها، برنامه‌ی کودک و برنامه‌های طنز تلویزیون را تماشا می‌کنند. نوارهای موسیقی بالاخص ترانه‌ها و موسیقی‌های غربی را گوش کرده و بخش دیگری از فراغت خود را صرف مکالمات تلفنی با دوستان دختر و پسر می‌کنند. دیدن فیلم و برنامه‌های ویدئو و ماهواره، طراحی و نقاشی و نواختن آلات موسیقی، گاهی اوقات پی‌گیری کانال‌های رادیویی بیگانه چون بی.بی.سی و صدای آمریکا، انجام بازی‌هایی نظیر بازی‌های رایانه‌ای، شطرنج و ورق نیز از دیگر فعالیت‌های فراغتی آن‌ها است. فعالیت‌های فراغتی خارج از منزلشان عمدتاً صرف حضور در کلاس‌های آموزشی، تفریحی، سینماها، پارک‌ها، کوه، شرکت در پارتی‌های دوستانه، مسافرت و بیشتر مسافرت به داخل کشور، کلاس‌های ورزشی بالاخص ورزش شنا و اسکیت و نیز حضور در کافی‌شاپ‌ها به همراه دوستان دختر و پسرشان می‌شود.

افراد این‌گونه در سپری کردن فراغت عمدتاً از آزادی نسبی برخوردارند و نوع فعالیت‌های فراغتی‌شان تا حدی حاکی از زندگی مدرن آن‌ها است. نکته‌ی دیگر این‌که فراغت‌شان صرفاً محدود به درون خانه نیست و تنها تحت تأثیر نهاد خانواده نبوده بلکه در بیرون از خانه یعنی از نهادهای ثانویه فراغتی نیز بهره می‌برند.

چند نمونه از پاسخ‌های این دانش‌آموزان قابل توجه است:

نفر اول (۱۷ ساله): «دوست دارم به خونه‌ی دوستانم (دختر و پسر) زنگ بزنم. به موقع‌هایی از ساعت ۱۲ نیمه شب تا ۳ و ۴ صبح پای تلفنم و با دوستانم حرف می‌زنم».



نفر دوم (۱۷ ساله): «اگه تو خونه باشم یک لحظه هم موسیقی رو خاموش نمی‌کنم. من عاشق آهنگ‌های دجی بوبو<sup>۳۶</sup> و مایکل جکسون<sup>۳۷</sup> و بلک کتز<sup>۳۸</sup> هستم».

نفر سوم (۱۷ ساله): «مدل مو و لباسم رو از مدل‌های ماهواره نگاه می‌کنم و خیلی از مدل رقص‌ها رو هم از ماهواره یاد می‌گیرم».

نفر چهارم (۱۸ ساله): «پدرم خیلی به «دیزین» علاقه داره و تقریباً هر دو سه هفته یک‌بار به خصوص تو زمستون می‌ریم اونجا و تویوب سواری و اسکی بازی می‌کنیم».

نفر پنجم (۱۷ ساله): «تقریباً همه جای ایرانو دیدم، خیلی از شهرهای ایرانو از نزدیک دیدم، کلاً مسافرتو خیلی دوست دارم».

نفر ششم (۱۷ ساله): «معمولاً قرار ملاقاتم با دوستانم روزهای جمعه تو توجاله. زیاد به کوه می‌رم».

نفر هفتم (۱۸ ساله): «بعضی موقع‌ها با دوستانم می‌ریم کافی‌شاپ. خیلی از دخترا و پسرا می‌آون جا».

## گونه شخصیتی الف - ۲

در این‌گونه فقط یک نفر جای می‌گیرد. ویژگی‌ها و خصوصیات رفتاری - فراغتی وی او را از مابقی دانش‌آموزان کلاس جدا کرده است.

پدر دانش‌آموز مورد نظر، دارای مدرک کارشناسی و در شرکت هواپیمایی فعالیت می‌کند و مادر او دانشجوی رشته زیست‌شناسی است. وی فقط یک خواهر دارد که او نیز دانش‌آموز است. میزان درآمد ماهیانه خانواده وی ۴۰۰ هزار تومان می‌باشد.

گونه مذکور به شدت مورد توجه سایر دانش‌آموزان کلاس است به طوری که سایرین بیشترین الگوبرداری‌ها را از او دارند. وی با صورت «برنزه» شده به کلاس درس می‌آید. علی‌رغم داشتن رفتارهای برون‌گرایانه و اجتماعی بعضاً از نوعی محافظه‌کاری نیز برخوردار است به طوری که دوست ندارد کسی سر از کارهایش در آورد. وی در منزل اتاق اختصاصی دارد و بسیاری از ابزار و لوازم فراغتی از جمله ضبط مدل پیشرفته، دستگاه تلفن پیچیده، لوازم ورزشی مربوط به شنا، بدمیتون، تیس روی میز، کوه‌نوردی، اسکی و ورزش‌های رزمی را در اختیار داشته هم‌چنین ابزار مربوط به نقاشی و طراحی و موسیقی را نیز داراست. وی در خانه عموماً به مکالمات تلفنی درازمدت از ۵ الی ۷ ساعت در روز پرداخته و به طور پیوسته به

36 - DJ BoBo

37 - Micheal Jackson

38 - Black Cats

موسیقی غربی گوش می‌دهد. در خارج از خانه با ورزش‌های رزمی، تنیس روی میز، شنا، آموزش غریق نجات، اسکی، دو و راه‌پیمایی مشغول است. با حدود ۳۰ الی ۴۰ نفر از دوستانش (دخترها و پسرها) که اهل خیابان «ونک» هستند به صورت دسته جمعی در مراکز تفریحی (کوه - دیزین) و پارک‌ها (ملت و ساعی) هم‌چنین کافی شاپ‌ها و تریاها قرار گذاشته و در آن‌جا به اجراء نمایش رقص تکنو<sup>۳۹</sup> و کل‌کل<sup>۴۰</sup> می‌پردازد.

از دیگر زمینه‌های فراغتی گونه الف - ۲، شرکت در مراسم پارتی هم‌چنین مسافرت‌های مستمر به داخل و خارج از کشور است به طوری که وی به غیر از مسافرت به اکثر شهرهای ایران (سفرهای داخلی) از کشورهایی چون مالزی، سنگاپور، چین، کره، ژاپن، امارات متحده عربی، پرتغال و آلمان نیز دیدن کرده است. این دانش آموز (۱۷ ساله) می‌گوید:

«از آزادی خیلی زیادی برخوردارم، پدر و مادرم به خصوص پدرم اجازه انجام خیلی از کارها رو به من می‌ده حتی این اجازه رو دارم که تا نیمه‌های شب با دوستانم بیرون از خونه باشم. به کافی شاپ برم و ... من احساس می‌کنم که با خیلی از بچه‌های هم سن و سال خودم فرق می‌کنم یعنی کارهایی رو می‌تونم بکنم و آزادی‌هایی رو دارم که بقیه از اون محرومند».

### گونه شخصیتی الف - ۳

فقط یک نفر از افراد کلاس به دلیل نوع خاص فراغت، هم‌چنین خصوصیات رفتاری‌اش در این گونه قرار می‌گیرد.

پدر دانش‌آموز دارای مدرک کارشناسی و رئیس بانک است و مادرش نیز کارمند بانک است. تعداد فرزندان خانواده او ۴ نفر است و میزان درآمد خانواده وی ۳۰۰ تا ۳۵۰ هزار تومان در ماه می‌باشد. گونه مورد نظر (۱۸ ساله) بسیار برون‌گرا، جسور و هنجار شکن است به

39 - تکنو (Techno): رقصی است که بسیاری از خواننده‌های غربی انجام می‌دهند. این رقص دارای حرکات بسیار تند و سریع و هیجانی است به طوری که فرد رقصنده می‌تواند در یک ثانیه چند شکل رقص گونه اعم از حرکت دست، سر و شانه، گردن و بالاخص پا و هم‌چنین حالت‌های نشسته و خوابیده بر روی زمین و ایستاده را با همان هیجان و لریزه‌های شدید بدن انجام دهد. این نوع رقص‌ها همراه با موسیقی‌های بسیار تند و هیجانی صورت می‌گیرد و فرد رقصنده باید از آمادگی و انعطاف جسمانی و بدنی بالایی برخوردار باشد (مشاهده‌های پژوهش و گفته‌های دانش آموزان). «در واقع حرکات تکراری و سریع تکنو یک وضعیت هیپنوتیزم کننده را ایجاد می‌کند». (A. locher, 1998: 106).

40 - کل کل (Kal Kal): رفتاری است که از سوی رقصندگان رقص برای رو کم کردن سایر رقصندگان صورت می‌گیرد یعنی وقتی کسی در حال اجرای رقص است دیگری نیز برای این که به او ثابت کند که بهتر از او می‌تواند برقصد به وسط میدان آمده تا روی نفر اول را کم کند. سپس با ورود او به میدان رقص، تماشاچیان با صدای بلند فریاد می‌زنند کل کل، این جریان ادامه دارد تا زمانی که رقص به اتمام برسد (گفته‌های دانش آموزان).

طوری که بدون هیچ‌گونه ترس و خجالتی در حضور معلم و در کلاس درس به آرایش سر و صورت خود و دوستانش می‌پردازد، غذا می‌خورد و پیوسته صحبت می‌کند، نظم کلاس را به هم می‌ریزد. بدون کسب اجازه از معلم از کلاس خارج می‌شود، به دوستانش فحش‌های رکیک می‌دهد، با صدای بلند حرف می‌زند، به اذیت و آزار سایرین می‌پردازد و بدنش بوی سیگار می‌دهد. وی در بسیاری از زمینه‌های فراغتی شبیه گونه الف - ۱، است ولی در دیگر موارد از آن‌ها متفاوت می‌شود. رفتارهای فراغتی وی گرچه ممکن است در خرده فرهنگی که به آن متعلق است صورت به‌هنگار و متعارف داشته باشد لیکن در مقایسه با سایر دانش‌آموزان کلاس به صورت یک گونه نابه‌هنگار و غیر متعارف جلوه می‌نماید.

وی تمایل زیادی به سپری کردن فراغت خود با جنس مخالف دارد. او به همراه یک نفر از دانش‌آموزان مدرسه (که در کلاس دیگر است) و نیز دختران و پسران بیرون از مدرسه (آن‌ها که بیشترین شباهت رفتاری را با او دارند) مجموعاً خرده فرهنگی خاص را به وجود آورده است که به تبع آن رفتارهای خاصی نیز از او بروز می‌نماید. مثلاً پرسه زدن و گشت و گذار در خیابان‌ها در وقت فراغت برای دوست‌یابی (جنس مخالف)، سیگار کشیدن و استفاده از مواد الکلی<sup>۴۱</sup>، رفت و آمد به منزل دوستان پسر، دیدن فیلم‌های ویدئویی جنسی، پیدا کردن افراد شبیه به خود (دختر و پسر) و آموزش آن‌ها و سپس پذیرش و عضو نمودن آن‌ها در گروه خود و ... از جمله رفتارها و اعمالی است که بدان مبادرت می‌ورزد.

دانش‌آموز مورد نظر تا به حال دو بار دست به عمل خودکشی زده که در آن ناکام بوده، یک بار از منزل و بارها از مدرسه خود فرار کرده است. او تمایل بسیار شدیدی به ترک وطن و مهاجرت به خارج از کشور دارد و می‌گوید: «خیلی دلم می‌خواهد به به کشور خارجی برم و اون جا زندگی کنم چون اون جا هیچ کس به کار هیچ کس کاری نداره، آدم راحت هر کاری بخواد می‌تونه انجام بده بدون این که کسی مزاحمش بشه».

در جای دیگر می‌گوید: «چه کار کنم از بس که این کارها رو انجام دادم ملکه‌ام شدن، تازه اگه این کارا رو نکنم پس چی کار کنم؟! این پدر و مادرم هستن که باید ناراحت باشن نه من چون اونا عامل تباهی من بودن، تو دوره‌ای که من نیاز به مراقبت داشتم [دوره کودکی] من و خواهرهام رو به حال خودمون گذاشتن و رها کردن ... البته اونا نمی‌دونن که من تا این اندازه غرق شدم».

41 - نظریه‌های جامعه‌شناسی معتقدند که استفاده از برخی داروهای اعتیاد آور (چون مشروب و ...) جنبه خرده فرهنگی داشته و افراد به منظور تفریح و لذت و نیز پر کردن وقت فراغت خود از این داروها استفاده می‌کنند (Parker, 1999:156).

اوعلت رفتارهای نامتعارف خود را استفاده از شیوه‌های فراغتی نامناسب و بی‌توجهی‌های شدید خانواده بالاخص مادرش می‌داند. در واقع در شکل‌گیری شخصیت‌های نابه‌هنجار، تجربیات دوران کودکی بسیار مهم است به طوری که هر قدر در تربیت به‌هنجار کودک قصور شود و ارزش‌های اجتماعی به کودک ارائه نشود شخصیت نابه‌هنجار در او تقویت می‌گردد (توسلی، ۱۳۷۳: ۲۶).

• با مطالعه نظرات دانش‌آموزان گروه الف این نتیجه به دست آمد، آن رفتاری که در بین تمامی این افراد مشترک به نظر می‌رسد (به طوری که تمامی آن‌ها بر این نوع رفتار فراغتی بارها و بارها تأکید نموده‌اند)، حضورشان در کافی‌شاپ‌ها به همراه دوستان دختر و پسر است و هیچ‌کدام از آن‌ها این زمینه فراغتی را رها نمی‌کنند. آن‌ها نام تعدادی از کافی‌شاپ‌های خیابان‌های مختلف شهر تهران را به عنوان مراکز تفریحی خود برشمرده‌اند، از جمله کافی تریای توت فرنگی در خیابان ونک، بهروز در شیراز شمالی، شیس، لوکس طلایی در ولیعصر، کلاسیک در ویلا، توت فرنگی در عظیمیه کرج، آرین در شریعتی، تک در آرژانتین، عالی‌قاپو در گاندی، کافی گلاس در نیاوران، مفید در دریا نوب، جویخانه و صدف در ولیعصر، فانوس در گیشا، تریا در شهرک غرب، نیلوفر در آپادانا، کولاک در جردن، میچیکا در بلوار فردوس، بیثا در تجریش، کیوان در ملاصدرا، بابا بزرگ در ولیعصر و تریای هتل آزادی.

تحقیق نشان داد که صد در صد دانش‌آموزان گروه الف به کافی‌شاپ می‌روند.

کافی‌شاپ یکی از مراکز فراغتی و تفریحی است که غالب دانش‌آموزان کلاس از هر سه گونه الف - ۱، الف - ۲ و الف - ۳ تمایل به حضور در آن دارند.

## گونه‌های شخصیتی گروه ب

### گونه شخصیتی ب - ۱

مورد فوق، مشخص‌ترین گونه شخصیتی کلاس بوده و حدود ۱۵ - ۱۴ نفر را دربرمی‌گیرد.

پدران و مادران دانش‌آموزان مزبور به ویژه مادران، بی‌سواد یا کم‌سوادند (تا پنجم ابتدایی) والدین گونه مربوط متولد روستا و از سطح درآمد بسیار پایین برخوردار بوده و برخی فاقد درآمدند. حقوق ماهیانه آن‌ها ۱۰۰ هزار تومان در ماه است و به ندرت (۹/۵٪) درآمدشان به ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومان در ماه می‌رسد. تعداد فرزندان خانواده بین ۱۲ - ۶ نفر است. دانش‌آموزان مربوطه از نظر رفتاری افرادی منفعل، درون‌گرا و عمدتاً خجالتی و هنجارپذیرند، طرز پوشش و نوع لباس‌شان ساده و معمولی و در برخی موارد کهنه و مندرس است.

رفتارهای فراغتی داخل خانه گونه مورد نظر به کار در منزل و کمک به مادر محدود می‌شود. بیشترین زمان فراغت آن‌ها صرف صحبت کردن با اعضای خانواده و دیدن تلویزیون به خصوص سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی می‌شود. در اوقاتی از روز و بالاخص در تابستان‌ها به کارهای هنری چون خیاطی، منجوق و پولک دوزی، مکرمه بافی، قالی‌بافی و هنرهایی از این دست می‌پردازند.

اعضای مربوطه، به دلیل عدم بهره‌مندی از امکانات لازم، درآمد پایین و هم‌چنین نداشتن آزادی از سوی خانواده، کمتر در معرض زمینه‌های فراغتی خارج از منزل قرار گرفته و اوقات فراغت بسیار محدود و غیرمتنوعی دارند. فراغت خارج از منزل آن‌ها بیشتر صرف حضور و شرکت در مراسم دعا، هیأت‌های مذهبی و مساجد و نیز زیارت اماکن مقدسه (زیارت‌گاه) می‌شود. این دختران به ندرت به سینما می‌روند. مسافرت‌های محدود آن‌ها هم به مناطق روستایی دارند.

در زمینه رضایت و عدم رضامندی از فراغت، اعضای گونه ب-۱ به دو بخش تقسیم می‌شوند: ۱- گروهی از آن‌ها از فراغت خود به شدت ناراضی‌اند و معتقدند که امکان و اجازه هیچ نوع فعالیت اجتماعی را ندارند. این گروه بر این باورند که پسران در مقایسه با دختران از آزادی بیشتری برخوردارند. ۲- گروه دیگر چندان ناراضیتی از فراغت خود ندارند گاه حتی آن را مطلوب نیز تلقی می‌کنند. در حقیقت چنین به نظر می‌رسد که انزوا و محدودیت جزء باور این گروه شده و چنان در وجودشان نهادینه شده است که گوئی شکل دیگری از زندگی را برای خود تصور نمی‌کنند.

چند نمونه از پاسخ‌های این دانش‌آموزان قابل توجه است:

نفر اول (۱۷ ساله): «زیاد دوست ندارم با افراد خونوادم حرف بزنم. مادرم که خیلی قدیمی فکر می‌کنه و حرفای منو نمی‌فهمه، پدر و برادرم هم اذیتم می‌کنن گاهی اونقدر بهم فحش می‌دن و کنکم می‌زنن که اصلاً دلم نمی‌خواد زنده باشم».

نفر دوم (۱۷ ساله): «مادرم بیماره منم دختر بزرگ خونوادم، بقیه خواهرها و برادرام از من کوچکترون اینه که من باید تو خونه به مادرم کمک کنم یه مقدار زیادی از کارای خونه به دو شمه فرصت نمی‌کنم به کارای دیگه برسیم».

نفر سوم (۱۸ ساله): «پدرا و مادرامون ما دخترا رو زیاد نگه نمی‌دارن تا به خاستگار می‌آد خونه می‌گن باید شوهر کنین برین ما نداریم که یه عمر نون شماها رو بدیم و از طرفی پول کافی هم نداریم که جهیزیه تهیه کنیم در نتیجه مجبوریم کارهایی مثل خیاطی و قلاب بافی و گل‌دوزی و اینارو یاد بگیریم تا هم جهیزیه‌مون رو تهیه کنیم و هم کمک خرج خونواده باشیم».

نفر چهارم (۱۷ ساله): «مام‌زاده حسن نزدیک خونمونه هروقت دلم می‌گیره یا حاجتی دارم می‌رم اون جا».

نفر پنجم (۱۸ ساله): «اصلیم سراییه، مال شهرستان سرابیم البته مال روستای جلدبخان<sup>۴۲</sup> سراب. خیلی از فامیل هامون اون جا زندگی می‌کنن بعضی تابستونا رو می‌ریم اون جا».

نفر ششم (۱۷ ساله): «خیلی دوست دارم به سینما برم ولی خونوادم اجازه نمی‌دن می‌گن سینما رفتن برای دخترا عیبه».

## گونه شخصیتی ب - ۲

فقط یک نفر (۱۸ ساله) از افراد کلاس در این گونه جای می‌گیرد وی یک افغانی تبار است و پدر و مادرش بی‌سواد و در روستای «بهسود»<sup>۴۳</sup> مربوط به یکی از شهرهای کشور افغانستان به دنیا آمده‌اند. در خانه به زبان پشتو (فارسی دری) صحبت می‌کنند، تعداد فرزندان خانواده‌شان ۷ نفر است ولی بالغ بر ۲۰ نفر در یک خانه هستند. شکل خانواده‌شان گسترده بوده و علاوه بر پدر و مادر و فرزندان، دامادها و عروس‌ها و نوه‌ها نیز با آن‌ها در زیر یک سقف زندگی می‌کنند. وی از میزان درآمد خانواده‌اش اطلاعی ندارد ولی معتقد است که سطح درآمدشان پایین است.

او از نظر رفتاری بسیار منزوی و غیراجتماعی است به طوری که نه با معلم و نه با هیچ‌یک از دانش‌آموزان کلاس تعامل اجتماعی برقرار نمی‌کند.

در خانه هیچ وسیله و امکانات تفریحی - فراغتی ندارد فقط یک تلویزیون رنگی در خانه دارند. وی از نظر گذران فراغت بسیار محدود است. به دیگران در کار منزل کمک نموده و خیاطی می‌کند. در بیرون از خانه به غیر از مدرسه به هیچ جای دیگر نمی‌رود. او می‌گوید: «ما در ایران از محدودیت اجتماعی زیادی رنج می‌بریم چون ایرانی‌ها ما را غریبه می‌دانند».

در مجموع گونه مورد نظر از محدودیت خانوادگی، اجتماعی و فقر مالی رنج می‌برد. با مطالعه نظرات دانش‌آموزان گونه ب این نتیجه به دست آمده است، رفتاری که در بین تمامی این افراد مشترک به نظر می‌رسد (به طوری که تمامی آن‌ها بر این رفتار فراغتی تأکید کرده‌اند) کار آن‌ها در منزل می‌باشد. البته درصد زیادی از ایشان (۹۰/۵٪) این امر را از روی اجبار و نه از روی میل و رغبت انجام می‌دهند.

تحقیق نشان داد صد در صد افراد گروه ب در منزل کار می‌کنند.

42 - Jaldaboxan

43 - Behsod

کار در منزل از جمله اموری است که افراد هر دو گونهٔ گروه ب به آن مبادرت می‌ورزند. دختران این نوع امور را به دلیل بیماری‌های جسمی مادران‌شان، بعد بالای خانوار، فرهنگ روستایی خانواده‌ها و تأکید بر کار دختران در منزل به منظور آشنایی با زندگی آینده انجام می‌دهند. بنابراین کار آن‌ها در خانه نه از روی تفنن و سرگرمی که از روی اجبار انجام می‌گیرد.

### فراغت خلاق و غیر خلاق

بخش دیگر یافته‌های تحقیق پاسخ به سوئمن سؤال اصلی تحقیق است. پاسخ دانش آموزان به سؤال فوق نشان‌گر آن است که میزان بروز خلاقیت‌ها و استعداد‌های بدیع در گروه الف<sup>۱</sup> بسیار بیشتر از گروه ب است. «خلاقیت اشاره به قدرت ایجاد اندیشه‌های نو دارد و نوآوری به معنای کاربردی ساختن افکار تازه و نو است» (الوانی، ۱۳۷۴: ۲۲۳).

بنا به تعریف فوق اعضای گروه الف در اوقات فراغت‌شان موفق به کشف زمینه‌های بدیع شده‌اند، از جمله ۵ نفر از جمع ۲۱ نفرهٔ کلاس نویسندگی می‌کنند و از نظر خودشان موفق شده‌اند تا نوشته‌های نو و تازه‌ای را که تا به حال در هیچ جایی نوشته نشده بیافرینند. ۲ نفر از آن‌ها در کار آرایش‌گری به قدری مهارت دارند که توانسته‌اند اشکال جدیدی از کوتاه کردن مو و سبک آرایش سرو صورت را خلق کنند. ۳ نفر از آن‌ها تابلوهای بدیع نقاشی را طراحی و تصویر می‌کنند و ۱ نفر در خلق شعر تبحر دارد. ۲ نفر در آشپزی مهارت داشته و موفق شده‌اند غذاهایی را پخت کنند که تا به حال کسی آن‌ها را طبخ نکرده است. ۲ نفر دیگر می‌توانند از حنجرهٔ خود صداهای خاص و جدیدی را تولید کرده و آهنگ بسازند و نهایتاً ۱ نفر با درک عمیق از مناظر و چشم اندازه‌های طبیعت قادر است تا صحنه‌های نوبی را فیلم‌برداری کند. در مقایسهٔ میزان بروز خلاقیت و ابتکارات مربوط به اوقات فراغت دانش آموزان گروه ب از ۳ نفر تجاوز نمی‌کند. یکی از آن‌ها در قصه‌سازی (خلق قصه‌های نو) تبحر دارد و ۲ نفر دیگر قدرت خلق اشعار نو و تازه را دارند.

چند نمونه از پاسخ‌های دانش آموزان قابل توجه است:

۱- فردی از گونهٔ الف - (۱۷ ساله): «مامانم تا چند سال پیش آرایش‌گری می‌کرد من از همون موقع این حرفه رو خیلی دوست داشتم برا همین همیشه با وسایل آرایش‌گری کار می‌کردم. هر کس از فامیل‌ها، دخترعموها، دخترخاله‌ها و ... می‌اومد خونمون من بلافاصله

۱ فرصت‌های فراغتی صحیح و مناسب سبب توسعهٔ روحی، کار و آفرینندگی می‌شوند (Torkildsen, 2001: 91)

موهاشو باز می‌کردم و روش کار می‌کردم و صورتاشون رو آرایش می‌کردم. الان هم همین‌طور. الان می‌تونم به مدل موهایی بزنم که شاید اسمی نداشته باشه ولی به نظر خودم مدل جدیدیه. مامانم همیشه تشویقم می‌کنه و هرچی بخوام می‌ذاره [وسایل و ابزار آرایش‌گری] تا آرایش‌گری رو ادامه بدم

۲- فردی از گونه ب - ۱ (۱۸ ساله): «شرایط خانواده‌های ما مانع از رشدمون می‌شه مثلاً من آنقدر کار سفال‌گری رو دوست داشتم که وقتی بچه بودم می‌رفتم مهرهای نماز رو می‌شکستم و با آب قاطی می‌کردم و با اون گل، ابزار و اشکال و چیزهایی که دوست داشتم درست می‌کردم. من می‌تونستم برای خودم کسی بشم ولی فقر مالی خانواده نمی‌ذاره یعنی هر چی استعداد داشتم به هدر رفت. الان آنقدر دوست دارم برم فرهنگ‌سرای بهمن کلاس سفال‌گری ولی خونوادم نمی‌تونن پولشو بهم بدن یعنی ندارن».

### نتیجه‌گیری

۱- همان‌گونه که در بخش یافته‌های تحقیق اشاره شد دانش‌آموزان هر دو گروه رفتارهای فرهنگی کاملاً متفاوتی از خود بروز می‌دهند. بروز چنین خصوصیات رفتاری ریشه در سه عامل اساسی ذیل دارد:

۱-۱ - موقعیت مادی و فرهنگی خانواده‌ها: خانواده‌های گروه الف به علت با سواد بودن، نوع شغل پدران و درآمدی تقریباً مناسب و وجود امکانات و ..... شرایط بهتری را برای فرزندان خود فراهم کرده‌اند در حالی که خانواده‌های گروه ب به دلیل بی‌سوادی، نوع شغل پدران و نداشتن امکانات و سطح درآمد پایین موفق به برنامه‌ریزی صحیح در زمینه فراغت فرزندان‌شان نشده‌اند.

۱-۲ - نحوه گذران اوقات فراغت: زمینه‌های فراغتی گروه الف چه در درون خانه و چه بیرون از آن تنوع بیشتری دارد و حال آن که فراغت گروه ب، غیر متنوع و توأم با فشار و محدودیت از سوی خانواده است.

۱-۳ - محل و مکان زندگی: بر طبق مدل ذیل:

« محیط فیزیکی و جغرافیایی ← جامعه‌پذیری ← شخصیت ← رفتار » (تریاندیس، ۱۳۷۶: ۳۱)، محیط و جغرافیا در بروز رفتارها و اشکال شخصیتی افراد تأثیر می‌گذارد.

منازل مسکونی اعضای گروه الف از منظر جغرافیایی در مکان‌های تقریباً مناسبی از شهر قرار گرفته حال آن که منازل گروه ب در یکی از جنوبی‌ترین قسمت‌های شهر تهران واقع شده است. این امر سبب شده تا گروه الف از اعتماد به نفس بالاتری در مقایسه با گروه ب که از مکان زندگی خود ناراضی هستند، برخوردار باشد.



مجموعه عوامل فوق سبب شده تا دانش‌آموزان گروه الف، اجتماعی، برون‌گرا، فعال، خلاق و معتمد به نفس و در برخی موارد هنجارشکن و گروه ب درون‌گرا، منفعل، غیرخلاق، منزوی و خجالتی، گوشه‌گیر و هنجارپذیر شوند.

۲- نوع فعالیت‌های گروه الف حکایت از تفننی و تفریحی بودن اوقات فراغت ایشان دارد در حالی که برخی از این فعالیت‌ها در گروه ب چون کار در منزل و کارهای هنری چون خیاطی، پولک‌دوزی، مکرومه بافی، گل‌دوزی به منظور تهیه چیزیه و کمک به اقتصاد خانواده حکایت از اجباری و الزامی بودن این نوع فعالیت‌ها می‌کند. لذا فراغت گروه ب بعضاً از شکل اصلی خود (دور بودن از الزامات و تعهدات اجتماعی) خارج شده و به صورت آنتی‌تر فراغت یعنی «کار» نمایان شده است.

۳- نوع گرایش‌ها و دیدگاه‌های خانواده‌ها نیز در تعیین فعالیت‌های فراغتی نقش دارد به طوری که مثلاً نگرش‌های مدرن و متجدد مآبانه خانواده‌های گروه الف آن‌ها را به سمت فعالیت‌های فراغتی چون دیدن ماهواره، رفتن به پارتنی‌ها و کافی‌شاپ‌ها، انجام کارهای هنری مدرن چون نواختن آلات موسیقی، بازی‌گری و نقاشی و ورزش‌های مدرن چون اسکی و اسکیت هدایت نموده و دیدگاه‌های سنتی گروه ب آن‌ها را به سمت حضور در مراسم دعا، هیأت‌های مذهبی، مساجد و زیارت اماکن مقدسه و هم‌چنین فعالیت‌های هنری سنتی چون قالی‌بافی، خیاطی و ... هدایت نموده است.

۴- در مجموع برخی از فعالیت‌های فراغتی هر دو گروه چون: دیدن برنامه‌های تلویزیون نظیر سریال‌ها، فیلم‌های سینمایی، برنامه کودک، کارتون و برنامه‌های طنز و عدم توجه به برنامه‌های علمی و آموزنده آن، مطالعه کم، آن هم فقط خواندن رمان‌ها و داستان‌ها و عدم توجه به کتاب‌های علمی، گوش کردن به موسیقی‌های غربی و ترانه‌ها و عدم تمایل به موسیقی‌های سنتی، اصیل و فرهنگی، دیدن فیلم‌های سینمایی، شوها، کنسرت‌ها و رقص‌ها از طریق ویدئو و ماهواره و عدم توجه به برنامه‌های علمی و آموزنده آن‌ها، همگی حکایت از عدم استفاده بهینه و کارآمد از اوقات فراغت آن‌ها دارد.

۵- با این وجود، گرچه برخی زمینه‌های فراغتی گروه الف چون: حضور در پارتنی‌ها، کافی‌شاپ‌ها و گپ زدن‌های طولانی با دوستان حکایت از نوعی به بی‌هودگی گذشتن فراغت آن‌ها دارد ولی به نظر می‌رسد به دلیل شرایط بهتر زندگی این گروه چون امنیت عاطفی از سوی خانواده، دسترسی به امکانات و وسایل، تشویق و توجه والدین نسبت به استعداد فرزندان، سبب شده تا مجموعاً استعدادهای خلاقانه توأم با ابتکار بیشتری در زمینه فراغت آن‌ها ایجاد شود در حالی که نامساعد بودن شرایط زندگی در گروه ب همچون نداشتن امنیت روحی و روانی لازم، تعدد فرزندان و جمعیت خانواده، عدم دسترسی به امکانات و نیز، عدم تشویق و توجه والدین نسبت به توانایی فرزندان، استعدادهای خلاقانه توأم با ابتکار آنها در زمینه فراغت را محدود ساخته است.

## منابع

- آگبرن و نیم کوف، ۱۳۵۳، زمینه جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات دهخدا و شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- الوانی، مهدی، ۱۳۷۴، مدیریت عمومی، تهران، نشر نی.
- ایمانی جاجرمی، حسین، ۱۳۷۶، درآمدی بر جامعه‌شناسی فراغت، دز، روزنامه همشهری، سال پنجم، شماره ۱۲۹۸.
- بروس، جرالد، ۱۳۷۳، تاریخ مردم‌شناسی، ترجمه علی انتظاری، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- بیتس، دانیل و پلاگ، فرد، ۱۳۷۵، انسان‌شناسی فرهنگی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- پانوف، میشل و پرن، میشل، ۱۳۶۸، فرهنگ مردم‌شناسی، ترجمه اصغر عسگری خانقاه، تهران، نشر ویس.
- پهلوان، چنگیز، ۱۳۷۸، فرهنگ‌شناسی (گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن)، تهران، انتشارات پیام امروز.
- تریاندیس، هری، س، ۱۳۷۶، فرهنگ و رفتار اجتماعی، ترجمه نصرت فنی، تهران، انتشارات مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- توسلی، غلام عباس، ۱۳۷۳، "نقش فرهنگ در ایجاد رشد شخصیت"، مجله کلمه ویژه‌نامه فرهنگ جامعه‌شناسی، شماره ۱۲.
- توکل، محمد، ۱۳۷۰، جامعه‌شناسی علم، تهران، انتشارات مؤسسه علمی - فرهنگی نص.
- چلبی، مسعود، ۱۳۷۶، بررسی تجربی نظام شخصیت‌درایران، تهران، معاونت پژوهشی وزارت ارشاد اسلامی.
- دوچ، مورتون و کراوس، روبرت، م، ۱۳۷۴، نظریه‌ها در روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه مرتضی کتبی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- دومازدیه، ژرفر، ۱۳۵۲، "زمان فراغت از دیدگاه تاریخی و جامعه‌شناسانه"، ترجمه م. آدینه، در، مجله فرهنگ و زندگی، شماره ۱۲.
- ساروخانی، باقر، ۱۳۷۰، درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران، انتشارات کیهان.

- سلحشور، مهدی و نمازی زاده، بهمن، ۱۳۶۹، تربیت بدنی عمومی، تهران، انتشارات سمت.
- سلطانی فر، ۱۳۷۷، تعاریف فرهنگ، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- شرفی، محمدرضا، ۱۳۷۶، دنیای نوجوان (کندوکاوی در بازشناسی روحيات)، تهران، انتشارات تربیت.
- شیخ، سعادت، ۱۳۷۵، چگونگی پرداختن به فعالیت‌های فراغت نوجوانان و جوانان شهر تهران، تهران، دبیرخانه شورای عالی جوانان.
- شیخی، محمد تقی، ۱۳۷۸، جامعه شناسی شهری، تهران، انتشارات نوزگیتی.
- فکوهی، ناصر، ۱۳۷۹، از فرهنگ تا توسعه (توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران)، تهران، انتشارات فردوس.
- کلاین برگ، اتو، ۱۳۶۸، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه محمدعلی کاردان، تهران، نشراندیشه.
- کوئن، بروس، ۱۳۷۳، درآمدی بر جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر.
- گاریانو، مروین، ۱۳۷۷، نظریه‌های مردم‌شناسی، ترجمه عباس محمدی اصل، تهران، انتشارات آوای نور.

- Brown, R.K., 1996, "Work and Leisure", in, **Encyclopedia of Social Sciences**, eds: Adam Kuper and Jessica Kuper, London and Newyork, Routledge.

- Colman, A.M., 1996, "Personality" in **Encyclopedia of Social sciences**, eds: Adam Kuper and Jessica Kuper, London and Newyork, Routledge.

- Dumazdier, J., 1972, "Leisure" in, **Encyclopedia of the Social Sciences**, Newyork and London, Macmillan Company and the Free Press and Collier Macmillan, Publishers.

- Harris, M., 1968, **The Rise of Anthropological Theory**, London, Routledge Kegan Paul.

- Harris, J.R., 2001, **How is Personality Formed? The Third Culture**, <http://www.edg.org/3rd-culture>.

- 
- Kardiner, A., 1963 **The Psychological Frontiers of Society** .  
Newyork and London, Columbia University .
  - Kelly, J.R.,1999, "Leisure and the Family", **Sociology of Leisure** eds: C.Critcher, P. Bramham and A. Tomlinson, London and Newyork, E and FN spon and Routledge.
  - Locher, D.A., 1999, "The Industrial Identity crisis: the Failure of a Newly Forming Subculture to Identity Itself", **Youth Culture Identity in a Postmodern World**, ed: Jonathon S. Epstein, Oxford, Blackwell.
  - Misra, R.,2000 ."College Students Academic Stress and its Relation to Their Anxiety, Time Management, and Leisure Satisfaction" **American Journal of Health Studies**, winter.
  - Parker,S.,1976 **the Sociology of Leisure**, London, George Allen Unwin Ltd.
  - Parker,H. and Aldridge, J. and Measham, F.(1999) **Illegal Leisure**, London and NewYork, Routledge.
  - Peoples, J.and Bailey, G. (1997 ), **Humanity**, University of Tulsa West an International Thomson.
  - Roberts, K., 1999, "The Pluralist Scenario, **Sociology of Leisure**, eds: C.Critcher, P. Bramham and A. Tomlinson, London and New York E and FN Spon and Routledge .
  - Roberts , K., 1999, B : **Leisure in Contemporary Society**, University of Liverpool. UK,CABL.
  - Shelton, K., 2001, (**Chapter 11**), <http://kish.cc.il.us/Faculty/kshelton>.
  - Toren, CH., 1993, Article :“Culture and Personality”, **Encyclopedia of Social and Cultural Anthropology** , eds: Alan Barnard and Jonathan Spencer, London, Routledge.
  - Torkildsen, G., 2001,**Leisure and Recreation Management**, New york, Spon Press.

- Wai Teng, L., 2001, **In Defence of Youth Culture**, [http: // www, happening, com](http://www.happening.com). Sg
- Wynn, D., 2000, **Leisure, Lifestyle and the New Middle Class A Case Study** London and Newyork,Routledge. Taylor and Francis group.